

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هانا آرنت: هشتاد سالگی مارتین هایدگر تَجَدُّدِ اَمْتَال: تَجْدِيدِ سَنَّت

جلسه نهم

دوشنبه ۲۰ - ۰۵ - ۱۴۴۲؛ ۱۵ - ۱۰ - ۱۳۹۹؛ ۰۴ - ۰۱ - ۲۰۲۱

بیرون از خود برای او

• خدای تعالی می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبأ ۳۴:۴۶)

(بگو جز این نیست که پند می‌دهم شما را به یکی، که قیام کنید برای الله دو دو، و یک یک. سپس، تفکر کنید، نیست صاحب شما را هیچ پوشیدگی‌ای، نیست او مگر بیم دهنده‌ای برای شما پیش از عذابی شدید!)

ای دریغا رازداران یاد باد

• حافظ، غزل ۱۸:

شکر ایزد که ز تاراج خزان رخنه نیافت
بوستان سمن و سرو و گل و شمشادت
چشم بد دور کز آن تفرقات باز آورد
طالع نامور و دولت مادرزادت

حقّ / عبد

- حقّ: مشیئت و اراده برتر، فرائض، ضرورت‌ها، کشف از راه تسلیم شدن و اجازه بودن دادن، "Gelassenheit" (گلسینهایت)، اجازه بودن داشتن، اذن عامّ، قدرت قهّار حقّ ...
- عبد: اراده تابع، نوافل، ترجیحات، ایجاد به اذن الله، دگرگونی و تغییر از سوی عبد، اذن خاصّ، قدرت فعّال عبد
- حکمت نظری: فراتر از اراده و قدرت خلق
- حکمت عملی: در اراده و قدرت خلق
- حلقه‌ی وصل؟

احدیّت ظهور: یک فروغ رخ ساقیست

• ایمانوئل کانت و سه نقد:

۱- نقد خرد ناب، ۲- نقد خرد عملی، ۳- نقد قاضیه (قوه ارزشگر)

ظاهراً، از نظر کانت، حلقه وصل دو قوه نظری و عملی قوه ارزشگر است، که زیباشناس و غایتگراست.

هایدگر:

اما هایدگر حلقه وصل را دازاین (وجود انسان در جهان) می‌داند.

احدیّت ظهور: یک فروغ رخ ساقی ست

• شیخ اکبر، محی الدین بن عربی۔ رضوان اللہ تعالیٰ علیہ۔ در
"فَصُّ حِكْمَةٍ أَحَدِيَّةٍ فِي كَلِمَةٍ هُودِيَّةٍ" از فصوص الحکم (ج ۱، ص

۱۰۷) جنین می فرماید:

اعْلَمَنَّ أَنَّ الْعُلُومَ الْإِلَهِيَّةَ الذُّوقِيَّةَ الْحَاصِلَةَ لِأَهْلِ اللَّهِ مُخْتَلِفَةٌ بِاخْتِلَافِ الْقُوَى الْحَاصِلَةِ
مِنْهَا مَعَ كَوْنِهَا تَرْجِعُ إِلَى عَيْنٍ وَاحِدَةٍ. فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ، "كُنْتُ سَمِعُهُ الَّذِي
يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهِ وَ رِجْلَهُ الَّتِي يَسْعَى بِهَا"
فَذَكَرَ أَنَّ هُوِيَّتَهُ هِيَ عَيْنُ الْجَوَارِحِ الَّتِي هِيَ عَيْنُ الْعَبْدِ. فَالهُوِيَّةُ وَاحِدَةٌ وَ الْجَوَارِحُ
مُخْتَلِفَةٌ. وَ لِكُلِّ جَارِحَةٍ عِلْمٌ مِنْ عُلُومِ الْأَذْوَاقِ يَخْصُهَا مِنْ عَيْنٍ وَاحِدَةٍ تَخْتَلِفُ
بِاخْتِلَافِ الْجَوَارِحِ،

احديت ظهور: يك فروغ رخ ساقى ست

كَالْمَاءِ حَقِيقَةً وَاحِدَةً مُخْتَلِفٌ فِي الطَّعْمِ بِاخْتِلَافِ الْبِقَاعِ، فَمِنْهُ عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ مِنْهُ
مِلْحٌ أُجَاجٌ، وَ هُوَ مَاءٌ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ لَا يَتَغَيَّرُ عَنْ حَقِيقَتِهِ وَ إِنْ اخْتَلَفَتْ
طُعُومُهُ. وَ هَذِهِ الْحِكْمَةُ مِنْ عِلْمِ الْأَرْجُلِ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى فِي الْأَكْلِ لِمَنْ أَقَامَ كُتُبَهُ:
"وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ" (٥:٦٦ المائدة). فَإِنَّ الطَّرِيقَ الَّذِي هُوَ الصِّرَاطُ هُوَ لِلسُّلُوكِ
عَلَيْهِ وَ الْمَشْيِ فِيهِ، وَ السَّعْيُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِالْأَرْجُلِ.

احدیّت ظهور: یک فروغ رخ ساقیست

بدان که علوم ذوقی الهی حاصل برای اهل الله مختلف هستند به سبب اختلاف قوایی که از آنها حاصل می‌شوند با این که بر می‌گردند به یک عین، چه خدای تعالی می‌فرماید، "كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهِ وَ رِجْلَهُ الَّتِي يَسْعَى بِهَا" (من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او که با آن می‌بیند، و دست او که با آن می‌گیرد، و پای او که با آن می‌دود.) پس، یادآور شد که هویت او عین عضوهاست، که خود عین بنده می‌باشند.

احدیّت ظهور: یک فروغ رخ ساقی ست

پس هویت یکی است ولی اعضاء مختلف هستند. و هر عضوی را علمی است از علوم ذوقی که مخصوص آن است از عینی واحد که مختلف می باشد به سبب اختلاف اعضاء. مانند آب که حقیقتی واحد است، مختلف در در مزه به سبب اختلاف سرزمین ها. در نتیجه، آبی خوش و بسیار گوارا باشد، و آبی شور و تلخ در حالی که آن آب است در همه احوال، دگرگون نمی شود از حقیقت خود هر چند مزه هایش گوناگون شوند.

احدیّت ظهور: یک فروغ رخ ساقیست

و این حکمت از "علم پاها" است، و آن همان سخن خدای تعالی است درباره خوردن در حقّ کسی که برپا دارد کتابهای او را، "وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ" (۵:۶۶ المائدة) "و از زیر پاهایشان"، چه طریق، که همان صراط است، برای سلوک بر آن و رفتن در آن است، و تند رفتن نباشد مگر با پاها.

زیر/زیر

• خدای تعالی می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَ مِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (٥:٦٦ المائدة)

(و اگر آنان بر پا می‌داشتند تورات و انجیل را و آنچه را نازل شده است بر آنان از پروردگارشان، بی شک، می‌خوردند از بالای خود و از زیر پاهای خود، از آنان باشند گروهی میانه رو، و بسیاری از آنان زشت باشد آنچه انجام می‌دهند.)

زیر/زیر

- گفته شده است که در این آیه کریمه اشارتی است به در هم آمیختگی علم و عمل، و این که طریقت و حقیقت جدا نباشد از شریعت.
- به نظر نمی‌رسد که "علم ارجل" محدود باشد به علوم ناشی از شریعت، به اصطلاح خاصّ، بلکه شاید هر نوع عملی، حتّی فنون و صنعت و تکنولوژی، و فعّال بودن‌های مختلف را شامل شود.

زیر/زیر

• شیخ ابن عربی در فتوحات مکیه (?) می‌فرماید (نقل به مضمون): ما به قرآن عمل کردیم، و حقّ بودن آن را دانستیم.

• خدای تعالی هم چنین می‌فرماید:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷: ۱۸ الكهف)

(همانا که ما آنچه را بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا بر شورانیم آنان را که کدام یکشان زیباتر عمل است.)

علم/عمل

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٥: ٦٢ جمعة)

(مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد، آن گاه آن را به کار نبستند، همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد. [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند. و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.)

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (٣: ٦١ الصّف)

(سخت تنفر انگیز است نزد خدا که گویند آنچه را انجام نمی‌دهید!)

علم/عمل

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۳-۱۰۴ : ۱۸ الكهف)

(بگو: آیا آگاه گردانم شما را از زیانکارترین [مردمان] در عمل، همانان که گم شد کوشششان در زندگی دنیا در حالی که می‌پندارند آنان خود زیبا می‌گردانند صنعتی را؟!).

علم/عمل

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة ۲:۲۵)

(مژده ده آنان را که ایمان آوردند و شایسته‌ها را عمل کردند بدان که ایشان راست گلزارهایی که روان است از زیر آنها جوی‌ها، هرچه روزی داده شوند از آنها روزی را از میوه‌ایی، گویند این همان است که روزی داده شدیم از پیش، و آورده شوند آن را شبیهی، و ایشان راست در آنجا همسرانی پاکیزه، و ایشان در آن جاویدانان باشند.)

علم/عمل

• امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب- علیه السلام:

أَلَا لَا يَسْتَحْيِينَنَّ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ فَإِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ. (عيون الحكم و المواعظ، ص ۱۰۹)

(هان! مباد که شرم کند آن که نمی‌داند از علم آموختن، چه ارزش انسان چیزی است که می‌داند!)

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ (نهج البلاغه، ف، کلمه ۷۸)

(ارزش هر انسانی آن چیزی است که زیبا انجام می‌دهد.)

علم/ عمل

● فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ: أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ زَيْدِ الزَّرَّادِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا بُنَيَّ، اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ؛ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدِّرَايَةُ لِلرِّوَايَةِ، وَ بِالدِّرَايَاتِ لِلرِّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ. (الأصول الستة عشر، ط. دار الحديث، ص ٣٦)

● إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ:

أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ؛ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا. (الأصول الستة عشر، ط. دار الحديث، ص ٣٦)

علم/عمل

• شیخ اجلّ، مشرف الدّین سعدی، گلستان ، باب هشتم، در آداب صحبت، حکمت ۷۴:

یکی را گفتند: عالم بی عمل به چه ماند؟
گفت: به زنبور بی عسل.

زنبور درشت بی مروت را گوی
باری چو عسل نمی‌دهی نیش مزین

علم/عمل

شیخ اجلّ، مشرف الدّین سعدی، گلستان ، باب هشتم، در آداب صحبت، حکمت ۳:

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی
چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بُود نه دانشمند
چارپایی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر
که بر او هیزم است یا دفتر

جان علوی هوس چاه زنخدان تو داشت دست در حلقه آن زلف خم اندر خم زد

- Hannah Arendt:

There too, he tells, apparently for the first time, the story of Thales and the Thracian peasant girl, who, watching the “wise man” glance upward in order to observe the stars only to fall into the well, laughed that someone who wants to know the sky should be so ignorant of what lies at his feet. Thales, if we are to trust Aristotle, was very much offended ...

جان علوی هوس چاه زنخدان تو داشت
دست در حلقه آن زلف خم اندر خم زد

—the more so as his fellow citizens used to scoff at his poverty—and he proved by a large speculation in oil presses that it was an easy matter for “wise men” to get rich if they were to set their hearts on it (Politics, 1259a ff.). And since books, as everyone knows, are not written by peasant girls, the laughing Thracian child had still to submit to Hegel’s saying about her that she had no sense at all for higher things.

جان علوی هوس چاه زنخدان تو داشت دست در حلقه آن زلف خم اندر خم زد

• خدای تعالی فرماید:

• لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۴-۵: ۹۵)
(التین)

(به درستی که خلق کرده بودیم انسان را در زیباترین پایگاه،
سپس رانديم او را به پست‌ترین پست‌ها!)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱: ۹۷ القدر)

(ما فرو گردانديم آن را در شب قدر.)

یوسفی و چاهت چه زیان!؟!

• اعمال روزمره این جهانی و درگیر و دار امور انسانی افتادن همان نزول و پایین آمدن انسان است همراه با معرفت و ایمانش تا آخرین حدّ فردیت و شکوفایی حسی.

• زیباترین عمل چیست؟

• زیباترین عمل عملی است که نتیجه قیام برای الله و تفکر بوده باشد.

• باز چون معرفت تخریب شود، عمل نیز دگرگون گردد.

یوسفی و چاهت چه زیان!؟!

• حافظ، غزل ۱۱۱:

من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم
اینم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد
چه کند کز پی دوران نرود چون پرگار
هر که در دایره گردش ایّام افتاد
در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج
آه، کز چاه برون آمد و در دام افتاد

یوسفی و چاهت چه زیان!؟

حافظ:

عزیز مصر به رغم برادران غیور
ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

خرقه زهد و جام می گر چه نه درخور همنند
این همه نقش می‌زنم از جهت رضای تو

چرخ برهم زخم از غیر مرادم گردد من نه آنم که زیونی کشم از چرخ فلک

- In his eleventh thesis on Feuerbach, Karl Marx:

“The philosophers have only interpreted the world, in various ways; the point is to change it”
(Marx and Engels 1970: 123).

(فیلسوفان فقط جهان را تفسیر کرده‌اند، به طرق گوناگون؛ مهم
تغییر دادن آن است.)

- واکنش مارتین هایدگر به این سخن کارل مارکس:

کدام تغییر؟ کدام تفسیر؟ هر تغییری مبتنی است بر معرفتی.

- ویدئوی هایدگر.